

آ ا

آ - بَ - با - بابا - آب

آب

بابا آب

د

د - دا - دَ - باد

بَد - دَد

آباد - آدَب - اَبَد - آداب - بادا - دادا

با آدَب

داد

بابا آب داد.

م م

ما - مَ - بام - دام - بادام - آدَم

بَم - دَم - مام - ماد

دَما - داماد - بامداد

مَبادا

آمَد - آمَدَم

داد - دادَم

باد آمَد.

بابا بادام داد.

بابا با ما آمَد.

داماد آمَد.

بابا بامداد آمَد.

با آب آمَدَم.

بادام دادَم.

س س

سَ - سا - اَسَب - سَبَد - سام

بَس - سَم - داس - ساس

اَسَد - اَسباب - اَدامس

باد اَمَد.

اَسَب اَمَد.

بابا آب داد.

بابا بادام داد.

بابا با اَسَب اَمَد.

بابا با سَبَد اَمَد.

سام بادام داد.

با اَسَب اَمَدَم.

بابا اَدامس داد.

اَسَد با داس اَمَد.

سام با اَسباب اَمَد.

او و

او - بو - مو - سو - سود - دود

بوم - موم

سوسو - بدبو - مسموم

بود - بودم

او با اسب آمد.

با بابا بودم.

باد بود.

دود بود.

آب مسموم بود.

سام با او بود.

ت ت

تاب - دَست - دوست - ماست - توت

سوت

دوستم - تمام

آست

بَست - بَستم

بابا تاب بَست.

او دَست داد.

دوستم با ما دَست داد.

بابا ماست داد.

دوستم با سوت آمد.

با او دَست دادم.

مادر - آبرو - سرد - درس - مار - سرما - آرام - سارا - برادر - رود
ابر

بر - تر - در - سر - رو - را - رام - بار - تار - تور - دور - ترس
مرد - آرد - راست

مَرَمَر - دارا - روستا - راسو - دارو - باربر - رودبار - دَردار
سوسمار - داراب - سراب - سَرَم - رامسر - رودسر - آرس - دستور
مادرَم

دارَم - دارد

مادر آرام آمد.

سارا برادر دارد.

باد آمد.

ابر آمد.

مادر با سارا آمد.

رود آب دارد.

سارا توت دارد.

آبر بود.

سرما بود.

مادر او را دوست دارد.

سام در رودبار است.

رودبار دور است.

مار سم دارد.

سارا در سبد توت دارد.

با مادرَم آمدم.

سارا در رودسر بود.

روستا آباد است.

مادر تاب را بست.

آب سرد است.